

آينه

آفتاب

از سکوت در برابر مصوبات «۳۰ تائیه»ای تا طعنه به نحوه تصویب برجام

● مهرداد بذریاش نماینده مردم تهران و عضو هیات‌رئسه مجلس شورای اسلامی می‌گوید: «در شان مجلس جمهوری اسلامی نبود که مهم‌ترین طرح سیاست خارجی این دوره در عرض یک‌ربع بدون قرائت سایر پیشنهادها تصویب شود». اما باید به استحضار ایشان و دیگر دوستان و دل‌پاسان رساند که برجام نه در یک ربع که طی دوازده سال به تصویب رسید! آن هم برجامی که دوستان و همفکران بذریاش در کمیسیون ویژه برجام تا توانستند با آن گذشته‌دوستانشان را از ذهن‌ها زدودند و به تیم فعلی هسته‌ای تاختند و از برنامه‌های نصفه‌ونیمه یاران سابق و لاحق خود دفاع کردند. برجامی که در نهایت زیر دست دوستان شما تا پای جان‌دادن رفت. باید به استحضار ایشان رساند ای‌کاش آن روزها و وقتی با بودجه‌های فرهنگی شوخی می‌کردند، یا مصوبات بی‌پشتوانه چندمیلیاردتومانی تصویب می‌کردند یا مصوبات فله‌ای از اتاق جلسات به بیرون ارسال می‌کردند یا در آن هنگام که سر و ته جلسات نیم‌ساعت بود و صدها موصوبه خروجی آن جلسات یعنی مصوباتی با چندصدمیلیارد تومان و طی زمانی کمتر از ۳۰ تائیه اعتراض می‌کردند.



آپشن «انگل‌زدایی» برای کرسنت فعال نیست
ویدع حاجی‌پور: امارات، گاز بسیار گران‌تری را از قطر دریافت می‌کرد اما تعدادی از اعضای هیات‌مدیره نفت که منصوبان وزیر نفت وقت بودند، با نادیده‌گرفتن همه نقاط ضعف و بی‌تفاوتی محض نسبت به منافع ملی قرارداد منحصربه‌فرد کرسنت را امضا کردند و امروز پس از سال‌ها، با حکم انفصال از خدمت و جریمه نقدی مواجه شدند. پرسش اصلی در این‌باره، به «چرایی» انعقاد این قرارداد برمی‌گردد که چرا باید منافع ملی فدای منافع شخصی شود و وزیر نفت هم درباره آن بگوید: «بعدها مفصل حرف می‌زنم» و با حمله به برخی رسانه‌ها، به آنها تهمت می‌زند از بابک زنجانی پول گرفته‌اند. بابک زنجانی و پرونده وی در دو سال اخیر، تبدیل به دستمایه‌ای برای سیاسی‌کاری و پوشاندن «خطای کرسنت» شده است؛ بابک زنجانی ۲/۸میلیارد دلار از بی‌ول بیت‌المال را بازنگرداند و عده‌ای با دریافت چند صدمیلیون تومان، ۱۸ میلیارد دلار از حق مردم را به یغما بردند. ای‌کاش این حس «انگل‌خوانی» در روزگاری بیدار می‌شد که آقای وزیر بایستی کلاه خد را بالاتر می‌گذاشتند.



برجام وشکاف جدی در میان اصولگرایان
صادق زیباکلام: الان همه ناراحتی تندروها این است که چون مسئله هسته‌ای یک موضوع حاضر و آماده بود و توانسته بودند جبهه جدیدی را دربرابر تندروها باز کنند که بتوانند از مناقشه هسته‌ای علیه آمریکا و آمریکاسازی استفاده کنند، یعنی کاری که اصول‌گرایان کرده بودند، این بود که در دوران احمدی‌نژاد مناقشه هسته‌ای را تبدیل کرده بودند به پرچم و ابزاری برای پیشبرد آمریکاسازی و درحال‌حاضر ناراحتشان از این است که چرا در مسئله هسته‌ای نمی‌توانند در جهت پیشبرد آمریکاسازی بهره‌برداری کنند. مهم این نیست که هسته‌ای به آن صورتی که درآمده بود علیه منافع ملی ما بود و چقدر به منافع ملی ما در فاصله ۸۴ تا ۹۲ ضربه زد. برای اصول‌گرایان تندرو اینها مهم نبود. مهم این بود که می‌شد از آن برای آمریکاسازی استفاده کرد و می‌شد مردم را با شعار «انرژی هسته‌ای حق مسلم ماست» علیه غرب و آمریکا بسیج کرد و در خیابان‌ها آورد تا شعار دهند.



نبرد نرم، نفوذ و دیگر هیچ
محمدکاظم انبارلویی: برجام یک فرصت برای آنها جهت نفوذ برای تغییر و براندازی است. آنها اکنون به این فکر می‌کنند که در فتنه ۱۸ تیر ۷۸ و نیز فتنه ۸۸ کجا راه ا اشتباه آمده‌اند که دیگربار آن را نروند؟ صف و ستاد آنها در برخی رسانه‌ها و احزاب و گروه‌ها دوباره سازماندهی شده است. برنامه آنها در اخلاص در نظام اقتصادی نخبه‌مست، در ساتات سیاسی و فرهنگی دارند کار می‌کنند. دوستان خود را داخل و خارج پیدا کرده‌اند از افراد سهیل‌اندیش و سده‌نگر می‌خواهند برای نفوذ و تغییر یارگیری کنند. دولت اعتدال را یک دولت گذار می‌دانند تا دوباره فتنه را بازتولید کنند. همکاری آنان با صفوف ضدانقلاب در خارج از مرزها بی‌برده است. می‌خواهند بگویند همه‌چیز تمام شده است. تعجیل و شتابزدگی آنها خیلی عجیب نیست چراکه تردیدی نیست این‌بار هم با سر به زمین خواهند خورد. این انقلاب با این بازی‌های کودکانه آسیب نمی‌بیند. دست‌هایی به لطافت فرشتگان الهی پشتیبان آن است. خون پاک هزاران عارف واصل و صدهزار جوان پاک‌باخته و رشید پای آن ریخته شده است. غیرت خدا و رویش‌هایی که همیشه بر ریزش‌ها تفوق دارد، اجازه نمی‌دهد اندک خللی در سرعت پیشرفت انقلاب به وجود آید.

سیاست

گفتاری منتشرنشده از آیت‌الله شهید بهشتی

دین تیتري در زندگي سامان به وجود نمی‌آورد



حادثه تلخی در زندگی او پیش آمد که پرده از باطن و حقیقت زندگی‌اش برداشته شد. این زن دختری داشت که تازه ازدواج کرده بود و در سنین جوانی مُرد. مرگ دخترش بسیار او را غمگین و آشفته کرد و چنان ضربه‌ای بر او وارد کرد که پس از مدتی سکنه کرد، البته از لحاظ فشار خون هم آمادگی سکنه را داشت. اما به‌هرحال این حادثه واقعیت زندگی او را نشان داد که چه جَنمی بوده است.

این نمونه‌ای بود از انسان‌هایی که در ظاهر می‌خواهد برآستی‌ها دلِ سلم و صلح و حق باشند و به آنها می‌گوید بعد از اینکه مسلمان شدید، دیگر دنباله‌رو شیطان نباشید که شیطان، برای شما دشمنی آشکار است.
اسلام دو حالت دارد و دو اثر. حالت اول اینکه انسان و گروهی از انسان‌ها از درون و از مغز و لبِ عوض می‌شوند و از درون خواستار حق، عاشق حق، حق‌پرست و تسلیم حق می‌شوند. اثر این دیدگاه اسلام، برخورداری از همه خوبی‌های زندگی است. چیزهایی که انسان در زندگی دوست دارد، در درجه اول عبارت است از زندگیِ هماهنگ و متعال؛ زندگی‌ای که از نابسامانی‌ها پاک باشد. انسان برحسب طبیعتش خیلی هوس‌ها دارد و خیلی چیزها دلش می‌خواهد و درست است که در یک نظام حق ممکن است انسان ناچار شود از خیلی چیزهایی که دلش می‌خواهد صرف‌نظر کند. بله، در نظام عادلانه هرکس به آنچه دلش می‌خواهد نمی‌رسد و باید هم این‌طور باشد، اما وقتی چیزهایی را که دلش می‌خواهد و به آن نمی‌رسد را با آموری که نظام عادلانه به او می‌دهد جمع و تفریق کند و آنها را با نظام غیرعادل و نامعتدل قیاس کند، درمی‌یابد که درست است در نظام غیرعادل خیلی چیزها به دست می‌آورد، اما خیلی از گزنده‌ها هم به او می‌رسد. حال مقایسه کنید و آگاه‌نظاوت کنید کدام زندگی بهتر است: زندگی در نظام عادلانه یا در نظام غیرعادلانه؟

در این صورت قطعاً پاسخش این خواهد بود: در نظام عادلانه و معتدل، زندگی پرره‌تر و کامیاب‌تر است. حتی اگر یک ظالم که در نظام غیرعادلانه به‌اصطلاح «بر خر مراد سوار است» و ترک‌تازی می‌کند و می‌تواند آنچه به خواش خود می‌خواهد را با هر نوع ستم، تجاوز و خون‌آشامی به دست آورد، زندگی‌اش را در نظام غیرعادلانه با زندگی در عادلانه مقایسه کند خواهد دید که نه‌تنها برنده نیست، بلکه بازنده است. چه رسد به مظلوم که با زندگی در نظام غیرعادلانه، حتماً بازنده خواهد بود؛ جهنمی حی و حاضر، زنده و قد که ستمگران در آن زندگی می‌کنند و اجتناب‌ناپذیر و سوزنده است. یکی از خصوصیات انسان به‌طور معمول این است که هرقدر بهره‌مندی‌هایش در زندگی بیشتر باشد، توقعاتش هم بیشتر می‌شود و هرقدر راحت‌تر بتواند در زندگی به خواسته‌هایش دست یابد و به آنچه دلش می‌خواهد برسد، زنده و همان اندازه حساس‌تر و زودرنج‌تر می‌شود؛ مانند بچه‌ای لوس و نُر که در خانه هرچه بخواهد برایش فراهم است، اما می‌بینید زمانی که یک چیز کوچک از وسایلش کم شده است، از صبح تا شب ناراحت است، گریه می‌کند، بغض می‌کند و کناری می‌نشیند! چه خبر شده؟ این چیزی که برای زندگی‌اش واجب و مهم نیست، کم شده است! این، طبع انسان است و فرقی بین انسان‌های کوچک و بزرگ نیست. انسانی که همه‌چیز برای او فراهم است، اگر در زندگی با مشکلی مواجه شود، تا آخر عمر اندوهگین به نظر می‌رسد.

صادر مدتی‌ن را می‌شناختم، از این متدین‌های معمولی، اهل عبادت، در ایام عاشورا در خانه‌اش روضه برپا می‌کرد! اما با همه این ویژگی‌ها، جو روحی‌اش به چیزی که نزدیک نبود، اسلام بود؛ خودخواه، خودپرست، تفوق‌طلب، حسود، پرشک، بدگمان و خودنما. پس از بازگشت از زیارت مکه هم سوغاتش یک دنیا داستان‌راست و دروغ برای خوندنمای بود! من زندگی‌اش را با زندگی عده‌ای از هم‌سن‌وسالانش که مقایسه می‌کردم می‌دیدم زندگی خیلی مرفهی داشت، خانهای بزرگ، خدمتکاران زن و مرد، آمدوشد بسیار، منابع درآمد تاحدی تضمین‌شده و تأمین و یک زندگی سروسامان‌دار. این فرد از نظر ظاهری برتری داشت ولی پشتوانه باطنی نداشت.

با آنکه اَلَّذِینَ آمَنُوا اَدْخُلُوا فِی السَّلَامِ کَافَهُ وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّیْطَانِ اِنَّهٗ لَکُمْ عَدُوٌّ مَّبِیْنٌۙ فَإِنَّ زُلَّکُمْ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْکُمُ الْبَیِّنَاتُ فَاَعْلَمُوا۟ اَنَّ اللّٰهَ عَزِیْزٌ حَکِیْمٌۙ هَلْ یَنْظُرُوْنَ اِلَّا اَنْ یَّاتِیَهُمُ الْفِی ظُلْلِ مِنَ الْعَمَامِ وَالْمَلَائِکَهِ وَقَضٰی الْاَمْرِۤ وَآلِیُّ اللّٰهِ تَزَجَّجُ الْاُمُورُۙ سَلَّ بَنٰی اِسْرَآئِیْلَ کَمْ اَتٰیْنَاهُمْ مِنْ اٰیَهِۭ بَیِّنَۃٍ وَمَنْ یُّدِلْ نِعْمَۃُ اللّٰهِ مِنْۢ بَعْدِ مَا جَآءَتْهُ فَإِنَّ اللّٰهَ شَدِیْدُ الْعِقَابِۙ زَیْنٌ لِّلَّذِیْنَ کَفَرُوْا الْحَیَآةُ الدُّنْیَا وَیَسْخَرُوْنَ مِنَ الَّذِیْنَ آمَنُوْا وَالَّذِیْنَ اتَّقَوْْا فَوْقَهُمْ یَوْمَ الْقِیَامَةِۚ وَاللّٰهُ یُزِیْقُ مَنْ یَّشَآءُ بِغَیْرِ حِسَابٍۙ ای مؤمنان یک‌سره به راه تسلیم ۲ درآید و پای جای شیطان مگذارید، او علناً دشمن شماست. اگر با وجود دلایل روشنی که برایتان آمده باز هم دچار لغزش شدید بدانید که خدا توانا و کاردان است. آیا اینها همچنان در حال تامل و مگر اینکه خدا در پوششی از ابر و فرشتگان به‌سوی آنها آید و کار یک‌سره شود؟ البته همه کارها سرانجام به خدا ارجاع می‌شود. از بنی‌اسرائیل بپرس چقدر نشانه روشن در اختیار آنها نهادیم، ۳ هر که نعمت ۴ خدا را پس از آنکه نصیبش شده‌از دست بدهد، البته خدا سخت‌گیر است. ۵ زندگی دنیا در نظر کافران زیبا و پرزورزیور جلوه داده شده و مؤمنان را مسخره می‌کنند اما روز رستاخیز مقام خداترسان بالاتر از آنهاست، خدا به هر که بخواهد روزی بی‌حساب می‌بخشد.

آیه اول مسلمانان را دعوت کرده و از آنان می‌خواهد برآستی‌ها دلِ سلم و صلح و حق باشند

آیه اول مسلمانان را دعوت کرده و از آنان می‌خواهد برآستی‌ها دلِ سلم و صلح و حق باشند و به آنها می‌گوید بعد از اینکه مسلمان شدید، دیگر دنباله‌رو شیطان نباشید که شیطان، برای شما دشمنی آشکار است.
اسلام دو حالت دارد و دو اثر. حالت اول اینکه انسان و گروهی از انسان‌ها از درون و از مغز و لبِ عوض می‌شوند و از درون خواستار حق، عاشق حق، حق‌پرست و تسلیم حق می‌شوند. اثر این دیدگاه اسلام، برخورداری از همه خوبی‌های زندگی است. چیزهایی که انسان در زندگی دوست دارد، در درجه اول عبارت است از زندگیِ هماهنگ و متعال؛ زندگی‌ای که از نابسامانی‌ها پاک باشد. انسان برحسب طبیعتش خیلی هوس‌ها دارد و خیلی چیزها دلش می‌خواهد و درست است که در یک نظام حق ممکن است انسان ناچار شود از خیلی چیزهایی که دلش می‌خواهد صرف‌نظر کند. بله، در نظام عادلانه هرکس به آنچه دلش می‌خواهد نمی‌رسد و باید هم این‌طور باشد، اما وقتی چیزهایی را که دلش می‌خواهد و به آن نمی‌رسد را با آموری که نظام عادلانه به او می‌دهد جمع و تفریق کند و آنها را با نظام غیرعادل و نامعتدل قیاس کند، درمی‌یابد که درست است در نظام غیرعادل خیلی چیزها به دست می‌آورد، اما خیلی از گزنده‌ها هم به او می‌رسد. حال مقایسه کنید و آگاه‌نظاوت کنید کدام زندگی بهتر است: زندگی در نظام عادلانه یا در نظام غیرعادلانه؟

در این صورت قطعاً پاسخش این خواهد بود: در نظام عادلانه و معتدل، زندگی پرره‌تر و کامیاب‌تر است.

می‌توان فهمید چه کسی چند مُرده حلاج است، اصلاً صحبت از همکاری و اتفاق نمی‌کنیم؛ این نه اسلام است و نه دخول در سلم. من دائماً سخند با خودم و با دوستان این بوده که مطمئن باشید تا زمانی که موفق نشویم در آن دسته از مسائل زندگی که نقش فردی ما بیشتر است، پایبندی به حق را پیاده، اجرا و عمل کنیم، دم از کارهای بزرگ‌ترزن، لاف‌زدنی بیش نیست. مطمئن هستم (چون تجربه‌های بسیار داشته‌ام) که آن لاف‌زدن‌ها هم بیش از سرگرم‌شدن برای مدت‌زمانی محدود، اثری نخواهد داشت.

اثر اسلام و تسلیم حق‌بودن مشخص است: دخول در سلم و سامان‌داشتن. هر جا دیدید چهار نفر دور هم جمع شده‌اند و درون‌شان به‌سامان است، بدانید آنجا اسلام دگرگون‌کننده وجود دارد. اگر اسلام در درون‌شان نفوذ کرده و آنان را عوض کرده است، می‌توانند حلالان اسلام دگرگون‌کننده باشند. اما هرچا چنین چیزی نبود، (حاصل تجمع‌شان] سرگرم‌ای بیش نیست.

تعجب می‌کنید که در سوره بقره و در مدینه قرآن می‌گوید:

﴿اٰیہَا الَّذِیْنَ اٰمَنُوْا فِی السَّلَامِ کَافَہٗ وَلَا تَتَّبِعُوْا خُطُوٰتِ الشَّیْطٰنِ، اِنَّہٗ لَکُمْ عَدُوٌّ مَّبِیْنٌۙ﴾
خطوات الشیطان، این لکم عدو مبین فان ظلمت ما جاعتکم البینات فعلم الله عزیز حکیم؛۱ ای ایمان‌آوردندگان همگی به سلم وارد شوید.

چه شده است که قرآن به مؤمنان عصر خود این سخن را می‌گوید؟ ماجرا از این قرار است که عده‌ای از مردم تحت‌تأثیر خودخواهی‌ها و خودپرستی‌ها دائماً به راه خود می‌رفتند، به دنبال منافع خود بودند و با یکدیگر می‌جنگیدند؛ حتی وقتی که می‌دیدند تازیانه‌های دشمن بر کرده همه آنها فرود می‌آید. اسلام گفت بیدار شو! از خودپرستی به درآ، خدایپرست و حق‌پرست شو! در پرتو حق‌پرستی است که می‌توانی اتفاق تمام دشمنی‌ها و کینه‌های گذشته را آب کنی و از این ببری.

﴿وَادْكُرُوا نِعْمَتَ اللّٰهِ عَلَیْكُمْ اِذْ كُنْتُمْ اَعْدَآءَ ۙ فَآلَفَ بَیْنَ قُلُوْبِكُمْ فَاصْبِرْکُمْ یَّعْمَیْرُہٗٓ اِخْوَانُ﴾
۲
اسلام آمده تا با تسلیم حق‌بودن، همه توجه به کشش‌های درونی را به سمت یک نقطه مشترک متوجه کند: حقا! آنجا دیگر نزاع و دعوا نیست. حرکتی که به وجود آمد و تعدادی از افراد با این ندا واقعا عوض شدند:

﴿رَبَّنَا اِنَّا سَمِعْنَا مُنَادِیًا یَّیَادِیْ لِلْاِیْمَانِ اٰی اٰمَنُوْا بِرَبِّکُمْ فَاهْتَمَّۙ﴾
۳
این عده کوچک، در آن محیط تاریک، چنان درخشند، حرکت‌را برجنب‌وجوش، نهضت و تلاش برای ترکشش ایجاد کردند که وضع ظاهری عوض شد. آنان گرد هم آمدند، اما همراه این عده کم، تعداد زیادی از انسان‌های نیم‌بند هم در محیط بودند. چنین برابر این انسان‌های اصیل واقعا عوض شده، انسان‌های دنباله‌رو وابسته و بی‌وسه هم وجود داشت. حالا که همه زحمات قبلی به نتیجه رسیده و یک جامعه کوچک نهضت و نو، به نام جامعه اسلامی در بُثر (مدینه) پا گرفته است، زهی سعادت! ولی در این حالت عده‌ای هستند که مجدد، به محض پیداشدن کوچک‌ترین بهانه‌ای به جان هم می‌افتند. آیا در آنها اسلام به معنی «تسلیم حق‌بودن» تا اعماق روحشان نفوذ کرده و واقعا برابر مشهود است و

نسبت به آن حالت یقین دارم و آن اینکه در میدان‌های عمل، همین عمل‌های معمولی و جهاد روزانه، مرتباً نشان می‌دهیم و نشان داده‌ایم که تسلیم حق نیستیم و یا روی حق می‌گذاریم. به‌همین‌دلیل نابسامانی‌هایی که در زندگی‌مان وجود دارد ناشی از این است که تسلیم حق نیستیم و بدتر اینکه این مطلب را هم قبول نداریم و منکر آن هستیم و در جمل مرکب نسبت به چهار واقعی خود به‌سر می‌بریم. واقعا تسلیم حق نیستیم و در همان حد که مربوط به خودمان هست [هم از این تسلیم] برخوردار نیستیم. در این چندروز چند مورد جزئی از این دست پیش آمده که من با آنها برخورد کرده‌ام. خیلی کم یکی نیست! اما گاهی جزئیات، زبانشان از کلیات گویاتر است.

من در این کارهای دسته‌جمعی به دوستان گفته‌ام که شرط اول کار دسته‌جمعی، تسلیم حق‌بودن است. آیا انسان‌های خوْکْش که پا روی حق می‌گذارند، می‌توانند کار گروهی انجام دهند؟ حتی اگر در حق‌کشی هم‌رای باشند، تا در درون خودشان خط‌کشی وجود نداشته باشد، آب‌شان در یک جوی نمی‌رود؛ همکاری در گرو تسلیم حق‌بودن است.

در این نمونه‌های جزئی می‌دیدم عده‌ای از کسانی که آرزوی ایجاد حلقه‌های همکاری برای مسالان بسیار جزئی در زندگی‌شان، اساساً یادی از این همکاری نمی‌کنند. این تلخ بود! چون چهره واقعی ما را نشان می‌داد که غالباً حتی در رابطه با خودمان گرفتار نوعی رُیا هستیم، به این معنا که همیشه عملاً از آن صحنه‌هایی صحبت می‌کنیم که در آنها فاصله داریم و به آن نمی‌رسیم، درحالی‌که از این سخن می‌گوییم که باید در آن صحنه‌ها اتحاد و اتفاق داشته باشیم! و در صحنه‌های نزدیک که

روزنه

مصطفی معین:

مهم‌ترین نقطه قوت دولت وزارت خارجه است

● **مهر:** مصطفی معین دوشنبه‌شب در نشست پرسش و پاسخ با دانشجویان در بوشر در جواب این سؤال که نقاط قوت و ضعف دولت یازدهم در چه زمینه‌هایی است، گفت: «مهم‌ترین و پرقوت‌ترین نقطه دولت وزارت خارجه است و بعد از آن جلوگیری از رشد سریع تورم، بهداشت و درمان از دیگر نقاط قوت این دولت است». معین در پاسخ به سؤالی مبنی بر اینکه نظرش درباره دل‌پاسان چیست، گفت: «دو نوع دل‌پاس وجود دارد، دل‌پاس واقعی موجب مشکلات جسمی و روحی می‌شود که نهایتاً در طولانی مدت موجب دست‌زدن به کارهای خشونت‌بار می‌شود و دل‌پاسان نوع دوم ظاهری و غیرواقعی هستند که باید اخلاق و تقوای اجتماعی پیشه کنند». دکتر معین در پاسخ به پرسش‌کننده دیگری درباره انتخابات مجلس در سال جاری و بهبود روند روبه‌رشد کشور با تغییر در مجلس، بیان کرد: «اکنون اگر جامعه اصلاح شود، یعنی شهروندان از حقوق خود آگاه نباشند و به حقوق دیگران احترام نگذارند و بین اصلاحات در جامعه و وضع کنونی تفاوتی قائل نباشند، به توسعه سیاسی و اقتصادی نخواهیم رسید؛ چراکه مقدمه این توسعه‌ها، توسعه اجتماعی است». او در پاسخ به سؤالی درمورد استعفاي خود پس از حادثه کوی دانشگاه، گفت: «وقتی دانشجویان در خانه خود که دانشگاه است، با حمله مغول‌وارانه برخی افراد روبه‌رو می‌شوند که به‌راحتی اجازه ضرب و شتم افراد را به خود می‌دهند. کار من به‌عنوان وزیر علوم تلاش برای مدیریت این اتفاق بود و استعفا، اعتراض خودم را نسبت به این اتفاق نشان دادم که دانشجویان متوجه شوند ضاربان از بدنه دولت نبودند، اما بعد از استعفا نیز در کنار دانشجویان ماندم».

جوابیه دادم صداسیما بخش نکرد

او در پاسخ به اینکه به گفته احمدی‌نژاد ستاره‌دارکردن دانشجویان در زمان شما در وزارت علوم نیز وجود داشته است، گفت: «احمدی‌نژاد باب دروغ‌گویی را با این مسئله باز کرد، من جوابیه را به صدا و سیما دادم اما مهندس ضرغامی این جوابیه را منعکس نکرد». وزیر علوم دولت اصلاحات اضافه کرد: «این جای سؤال نیست که وزیر می‌داند که برای دفاع از حقوق دانشجویان استعفا می‌دهد، چطور آنها را ستاره‌دار می‌کند». او در پاسخ به این سؤال که چرا استقبال دانشجویان از بورسیه و ثبت‌نام در دانشگاه‌های خارج از کشور افزایش پیدا کرده است، گفت: «نه‌تنها در دانشگاه‌ها بلکه بین خانواده‌ها نیز این درخواست وجود دارد که فرزندان‌شان را از دیستان در مدارس خارج کشور ثبت‌نام کنند و این دلیلی ندارد جز جاذبه بسیار در کشورهای دیگر و دافعه فراوان در کشور ایران». او افزود: «در کشورهای دیگر به دانشگاهیان اهمیت بیشتری می‌دهند و بسیار تکریم می‌شوند».

دریچه

بهمن کشورز:

آنچه در منا اتفاق افتاد، مصداق قتل در مذهب است

● **ایسنا:** بهممن کشورز، رئیس اتحادیه سراسری کانون‌های وکلای دادگستری ایران (اسکودا) گفت: «آنچه در منا اتفاق افتاده مصداق قتل در مذهب است و باید دولت عربستان، دیه آسیب‌دیدگان و قربانیان این حادثه را پرداخت کند». او درباره پیگیری فاجعه منا از نظر حقوق داخلی و بین‌المللی، گفت: «اولاً از نظر حقوقی و یکفری آنچه در منا اتفاق افتاده، قتل در مذهب است و از آنجاکه فرد مسئول در این حادثه دقیقاً مشخص نیست، باید دیه از بیت‌المال - خزانه عربستان - پرداخت شود، زیرا این فاجعه در محدوده حکومت این کشور رخ داده است». او افزود: «ثانیاً محاکم داخلی ما فاقد صلاحیت در بررسی فاجعه منا هستند و نمی‌توانند به این مسئله رسیدگی کنند؛ زیرا اصولاً حقوق جزا سرزمینی است و محاکم، جایی که واقعه در آن اتفاق افتاده، صالح به رسیدگی هستند». کشورز با اشاره به اینکه نیاز به تشکیل دادگاه برای بررسی فاجعه منا نیست، گفت: «باید از کلیه اولیای‌دم و مجروحان، وکلانی که قابل ارائه در دادگاه‌های عربستان باشد، اخذ خود و سپس فردی به وکالت از اولیای‌دم و مجروحان در دادگاه‌های عربستان علیه این کشور به منظور مطالبه دیه از بیت‌المال اقامه دعوا کند». کشورز درباره اقدامات بین‌المللی برای بررسی فاجعه منا گفت: «از آنجاکه ابعاد حادثه هنوز روشن نشده، به‌نظر می‌رسد باید اقداماتی برای روشن شدن قضیه و اینکه آیا عمدی در کار بوده یا مطلقاً خطا و تقصیر مطرح است، انجام شود. دراین‌صورت است که می‌توان درباره اینکه آیا می‌توان اقدامی در مراجع بین‌المللی دراین‌زمینه انجام داد، تصمیم گرفت».

ادامه در صفحه ۷